



Criminological Attitude towards Transgender Phenomenon in Criminal Justice System

نگرش جرم‌انگارانه به پدیده تراجنسیتی در پرتو سیستم عدالت کیفری

Mohammad Javanbakht

PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran (Corresponding Author)

محمد جوان‌بخت

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

javanbakht.lawyer@yahoo.com

http://orcid.org/0009-0003-2734-3620

Ali Noormohammadzadeh

Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Damghan Branch, Damghan, Iran

علی نورمحمدزاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران

lawverali1396@gmail.com

Abstract

It is not always the case that in the process of transitioning from thought to criminal action, a person has free will, but sometimes the culture of the society and the way of dealing with the governing institutions assume the criminality of individuals, and by treating them as criminals and labeling them criminals, People with a special physical and mental state suggests that their physical and mental states are compatible with criminality and deserve legal treatment. In this way, the society assigns him/her a criminal character and considers his /her inherent characteristics to be the natural traits of a criminal. The current research was written based on the descriptive-analytical method and on the basis of documents and library resources, and in this regard, by studying international documents and foreign laws, the collected information was analyzed qualitatively with the purpose of application. In this research, the authors intend to explain the criminalization of transgender phenomenon and similar situations by gathering information from the people who were selected as the target community and in the end, reach the conclusion that the culture that governs the criminal justice system is the basis of crime. It is a phenomenon. Based on this, our argument is that criminologists and criminal law experts should revise and reform the criminal justice system in dealing with gender diversity.

Keywords: Criminology, Criminal Justice, Crime.

چکیده

همیشه این گونه نیست که در فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فرد دارای اختیار و اراده آزاد باشد بلکه در برخی مواقع فرهنگ جامعه و نوع برخورد و مواجهه نهادهای حاکم، فرض بر مجرمیت افراد گذاشته و با برخورد مجرم گونه و الصاق برچسب بزهکاری، به افراد دارای وضعیت جسمانی و روانی خاص تلقین می‌کند که حالات جسمی و روانی او منطبق بر بزهکاری و شایسته برخورد قانونی است. بدین ترتیب، جامعه برای او شخصیت جنایی قائل شده و ویژگی‌های ذاتی او را حمل بر صفات فطری بزهکاری تلقی می‌کند. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده و در این راستا، با مطالعه اسناد بین‌المللی و قوانین خارجی، با هدف کاربردی اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نگارندگان در این پژوهش در صدد آن هستند که جرم‌انگاری پدیده تراجنسیتی و حالات مشابه را با گردآوری اطلاعاتی از افرادی که به‌عنوان جامعه هدف انتخاب شده‌اند تبیین نموده و در پایان بدین نتیجه برسند که فرهنگ حاکم بر سیستم عدالت کیفری، زمینه‌ساز جرم‌انگاری این پدیده می‌باشد. بر این اساس، استدلال ما این است که جرم‌شناسان و متخصصان حقوق کیفری می‌بایست به بازخوانی و اصلاح سیستم عدالت کیفری در برخورد با تنوع جنسیتی اقدام نمایند.

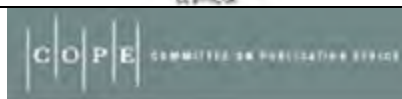
واژگان کلیدی: جرم‌شناسی، عدالت کیفری، جرم.

ارجاع:

جوان‌بخت، محمد؛ نورمحمدزاده، علی؛ (۱۴۰۲)، نگرش جرم‌انگارانه به پدیده تراجنسیتی در پرتو سیستم عدالت کیفری، تمدن حقوقی، شماره ۱۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

اگرچه بسیاری از دموکراسی‌های لیبرال غربی در سال‌های اخیر قوانین کیفری منع برخی از رفتارهای غیرجنسی و جنسیتی را لغو کرده‌اند، اما اقلیت‌های جنسی و جنسیتی همچنان مجرم محسوب می‌شوند. افراد ترنس و دگرجنس‌گرا به‌ویژه، در مقایسه با افراد غیردگرجنس‌گرا، با نرخ بسیار نامتناسبی در زندان به سر می‌برند. تبعیض ساختاری باعث می‌شود که افراد تراجنسیتی با احتمال بیشتری با سیستم عدالت کیفری مواجه شده و رفتار نامطلوب دریافت کنند. برخورد خشونت‌آمیز اشکال مختلفی دارد، از نمونه‌های مستقیم برخورد تحقیرآمیز پلیس (گرچه غیرخشونت‌آمیز) گرفته تا برخوردهای خشونت‌آمیز کمتر مستقیم اما نه لزوماً کمتر مضر برای تأیید هویت افراد و حمایت از سلامت آن‌ها (Benson, 2020, 1693). از این رو، جرم‌انگاری نه تنها ممنوعیت رسمی رفتارهای خاص، بلکه خصوصیات جسمانی و روانی‌ای را دربرمی‌گیرد که از طریق آن‌ها انواع خاصی از افراد توسط سیستم عدالت کیفری مورد عتاب و خطاب قرار می‌گیرند، آنگاه این پویایی‌ها روشن می‌سازد که رفتار تراجنسیتی به طور ضمنی جرم‌انگاری می‌شود.

با این حال، سیستم عدالت کیفری و جرم‌شناسانی که آن را مطالعه می‌کنند تا حد زیادی از اهمیت آن، غفلت کرده‌اند، چه برسد به رسیدگی یا اصلاح جرم‌انگاری رفتار تراجنسیتی. تحقیقات مرتبط با جنسیت و اقلیت‌های جنسی در جرم‌شناسی و علوم اجتماعی حاشیه‌ای بوده و باقی مانده است. این موضوع به خصوص برای تحقیقات مرتبط با افراد تراجنسیتی و مسائلی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، صدق می‌کند. بدتر از

همه این که دانش جرم‌شناسی در تقویت و مشروعیت بخشیدن به نهادها و اقداماتی که به مردم آسیب می‌رساند، نقش داشته و دارد (Valcore et al, 2021, 691). با این وجود، تحقیقات رو به رشدی شروع به افشای این موضوع کرده و تعصبات هنجارگرایانه و غیرقانونی که در سیاست کیفری گنجانده شده و اثرات مخربی را که این سیاست‌ها می‌تواند بر افراد تراجنسیتی وارد کند را آشکار می‌کند. همچنین ادبیاتی رو به رشد پیرامون بزه دیده‌شناسی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد تراجنسیتی میزان بیشتری از خشونت بین فردی از جمله سوءاستفاده، آزار و اذیت، خشونت فیزیکی و جنسی، قتل و مداخلات پزشکی ناخواسته را تجربه می‌کنند (Goldenberg, 2018, 21). این ادبیات همچنین تأکید می‌کند که سیستم عدالت کیفری تمایل دارد خشونت هدایت شده به سمت افراد تراجنسیتی را تشدید کند.

با این حال، چندین شکاف در این ادبیات باید برطرف شود. اول، در حالی که این ادبیات بیش‌های مهمی را در مورد پویایی بزه دیدگی و عدالت‌خواهی برای افراد تراجنسیتی ارائه کرده است، تمرکز کمتری بر تجربیات افراد تراجنسیتی از نگرش جرم‌انگاران نسبت به آن‌ها شده است. دوم، این ادبیات، به رغم دانش دست اول آن‌ها از اثرات سیستم و ضرورت اخلاقی برای متمرکز کردن دیدگاه‌های شان، به ندرت بر تجربیات خود افراد تراجنسیتی تمرکز کرده است. در حال حاضر، پژوهش‌های موجود عمدتاً در حوزه آمریکای شمالی انجام شده است و تحقیقات بسیار کمی در مورد تجربیات افراد تراجنسیتی پیرامون سیستم‌های عدالت کیفری سایر کشورها وجود دارد.

این مقاله با گزارش یافته‌های حاصل از یک پروژه مشارکتی شامل دانشگاهیان، فعالان حقوقی، سازمان‌های اجتماعی و وکلایی که تجربیات افراد تراجنسیتی را با سیستم عدالت کیفری بررسی کرده‌اند، به این شکاف‌ها می‌پردازد.

ادبیات تحقیق

تراجنسیتی در واقع اختلال هویت جنسی است که در آن فرد در هویت شخصی و جنسی خود دچار مشکل خواهد شد. تراجنسیتی در واقع از واژه انگلیسی ترنسکشوال^۱ گرفته شده و به اختصار تی اس^۲ گفته می‌شود. در این صورت فردی که شخصیت جنسی او زنانه است، اندام جنسی مردانه دارد و برعکس آن نیز دیده می‌شود. همین که اندام جنسی با شخصیت جنسی فرد تطابق ندارد، منجر به بی‌قراری جنسی در او

1- Transsexual

2- TS

خواهد شد. در نتیجه تصمیم می‌گیرد تغییر جنسیت دهد تا از این تضاد راحت شود (فرهمند و دانافر، ۱۳۹۶، ۷۴۸). در یک تقسیم‌بندی، زیرگروه‌هایی برای تراجنسیتی‌ها تعریف کرده‌اند که یکی از آن‌ها تراجنسی یا همان ترنسکشوال است. در این تقسیم‌بندی تراجنسیتی‌ها به تراجنسی/ترنسکشوال، دگرجنس‌پوشی/مبدل‌پوشی، جنسیت عجیب، دوجنسی و دوجنسیتی دسته‌بندی می‌شوند. همه این تقسیم‌بندی‌ها در کنار افرادی که همجنس‌گرا^۳ هستند را در قالب مفهوم دگرباش^۴ قرار می‌دهند. با وجود این که در اصطلاح عام ممکن است از عبارات تراجنسیتی یا ترنس استفاده شود اما به طور دقیق‌تر در میان دسته‌های مختلف، تراجنسیتی‌ها که در بالا ذکر شد، تنها می‌توان دسته ترنسکشوال/تراجنسیتی را دسته‌ای تعریف کرد که تضادی در جنسیت روانی با اندام جنسی خود دارند. به عبارت دیگر، افراد تراجنسیتی به دلیل اختلالات هورمونی تمایلات جنسی متفاوتی نسبت به اندام جنسی خود دارند، ضمن این که ممکن است اندام جنسی که با آن متولد شده‌اند، نیز به طور کامل و صحیح رشد نکرده باشد. این افراد تمایل دارند جنسیت (اندام جنسی) خود را متناسب با تمایلات و خلق و خوی جنسی خود تغییر دهند؛ به بیان ساده اگر فردی اندام جنسی زنانه دارد، اما تمایلات و خلق جنسی مردانه دارد، با استفاده از اقدامات پزشکی اندام جنسی خود را به اندام جنسی مردانه تغییر می‌دهد (جواهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ۳).

در مقابل افرادی که مشکلات دگرجنس‌پوشی، جنسیت عجیب، دوجنسی یا دوجنسیتی دارند، بیشتر مشکل آن‌ها از حیث روانی و تمایلات جنسیتی است. برای مثال دوجنسیتی‌ها^۵ و دوجنس‌گراها^۶ رفتارها و تمایلات جنسی دوگانه (هم مردانه و هم زنانه) دارند، در حالی که اندام جنسی آن‌ها ممکن است سالم بوده و مشکلی نداشته باشد. همچنین تفاوت دوجنسیتی و دوجنس‌گرا در این است که افراد دوجنسیتی هم رفتار جنسی و هم رفتار اجتماعی دوگانه دارند، در حالی که دوجنس‌گراها تنها رفتار جنسی دوگانه داشته یعنی کشش جنسی و تمایل به آمیزش جنسی با هر دو جنس زن و مرد دارند. مشکل افراد تراجنسیتی در هنگام شکل‌گیری جنین به وجود می‌آید. تراجنسیتی از دیگر دسته‌بندی‌های اختلال‌های هویت جنسی فوق‌الذکر متفاوتند. برای مثال افراد همجنس‌گرا تنها در یک مورد از عناصر تشکیل‌دهنده جنسیت خود دچار اختلال هستند. آن‌ها فقط واژگونی در جاذبه دارند؛ اما هویت جنسی خودشان را همان جنس بدنی

3- Homosexual

4- LGBT= Lesbian, Gay, Bisexual & Transgender

5- Bisexual

6- Androgyny

خود می‌دانند. اما تراجنسیتی‌ها از این دسته از این حیث متفاوتند که جنس بدنی/اندام جنسی آن‌ها نیز متفاوت با هویت جنسی یا همان تمایلات جنسی‌شان است (کاهانی و شجاعی فخری، ۱۳۸۱، ۳).

افراد تراجنسیتی در مقیاس جهانی تحت فشار هستند. در سراسر جهان، افراد تراجنسیتی نتایج سلامت روانی و عمومی ضعیف‌تری را در مقایسه با جمعیت‌های لژیین، همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا گزارش می‌کنند. مشکل و تبعیضی که افراد به دلیل زندگی در محیط اجتماعی خصمانه تجربه می‌کنند عمدتاً این کمبودها را توضیح می‌دهد. به‌عنوان مثال، تحقیقات با افراد تراجنسیتی استرالیایی نشان داده است که فقدان حمایت اجتماعی به طور قابل توجهی با سطوح بالاتر افسردگی ارتباط دارد. برعکس، تحقیقات بین‌المللی نشان داده‌اند که محیط‌های با پذیرش اجتماعی به‌شدت نتایج سلامت را برای افراد تراجنسیتی بهبود می‌بخشند. خشونت علیه افراد تراجنسیتی ناشی از فرهنگ بومی است. افراد تراجنسیتی خشونت ساختاری را به‌عنوان نتیجه زندگی در یک دنیای اجتماعی تجربه می‌کنند که تا حد زیادی نمی‌تواند آن‌ها را پذیرفته، به شمار آورده یا برای آن‌ها مسکن تأمین نموده و آن‌ها را در طیف وسیعی از حوزه‌ها، از جمله سلامت، کار، مسکن، و همان‌طور که در اینجا به آن می‌پردازیم، سیستم عدالت کیفری آسیب‌پذیر می‌کند.

افراد تراجنسیتی همچنین نرخ بالایی از خشونت و تبعیض بین فردی را در زمینه‌های مختلف از جمله محیط‌های آموزشی و اشتغال، فضاها عمومی (مانند دستشویی‌ها)، محیط‌های بهداشتی و خانگی تجربه می‌کنند (Griner et al, 2020, 5709). به‌عنوان مثال، تحقیقات در انگلستان نشان داده است که افراد تراجنسیتی نسبت به جمعیت عمومی احتمال بیشتری برای تجربه آزار کلامی، خشونت فیزیکی و آزار جنسی یا تجاوز دارند. به‌طور مشابه، پژوهشگران در ایالات متحده آمریکا نشان داده‌اند که افراد جوان تراجنسیتی در معرض خطر بیشتر قربانی جنسی شدن و درگیر شدن در رفتارهای جنسی پرخطر هستند. با این حال، گزارش رسمی خشونت علیه افراد تراجنسیتی در مقایسه با میزان خشونتی که افراد تراجنسیتی در هنگام بررسی گزارش می‌دهند، پایین است. به‌عنوان مثال، محققان نشان داده‌اند که افراد تراجنسیتی در سطح جهان نرخ بالای قربانی شدن را تجربه می‌کنند، با این حال روش‌های رسمی برای ردیابی و پاسخ به خشونت دگرجنس‌گرایانه به طرز چشم‌گیری وسعت مشکل را دست کم می‌گیرند (مایر و رابرسون، ۱۳۹۵، ۳۷).

سیستم عدالت کیفری، محیطی است که در آن افراد تراجنسیتی خشونت بین فردی و ساختاری شدیدی را تجربه می‌کنند. از نظر تاریخی، دموکراسی‌های لیبرال غربی رفتارهای جنسی همجنس‌گرایانه و رفتارهای غیرمتجانس جنسیتی را جرم‌انگاری کرده‌اند و به کسانی که درگیر چنین رفتارهایی هستند

به شدت واکنش نشان داده‌اند. بر این اساس، پلیس و دیگر عوامل قانونی چندین دهه است که رابطه خصمانه‌ای با افراد دگرباش دارند. این رابطه اشکال آشکار و صریح پرخاشگری و خصومت را نشان داده است، مانند مواردی که افسران پلیس در آن‌ها ورود کرده و افراد تراجنسیتی به دام افتاده، مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، یا در برخی موارد طی مصوباتی استفاده ناموجه از زور علیه افراد دگرباش را تصویب کرده‌اند،^۷ یا حملات ناموجهی به مکان‌های افراد دگرباش انجام داده‌اند. با این حال، همچنین تحقیقات، شیوه‌های رفتاری نهان و آشکار پلیس که با اصطلاحات عمومی همجنس‌گرایی یا تمایلات غیرجنسیتی به‌عنوان سوءظن، ریسک، یا دلالت بر جرم و جنایت، با آن‌ها برخورد می‌شود را نشان داده است (Dario et al, 2020, 894). هر دو حالت تبعیض باعث می‌شود که افراد دگرباش تمایل کمتری به مراجعه به سیستم عدالت کیفری داشته باشند، که در تعاقب آن آسیب‌پذیرتر شوند و بیشتر به دام آن بیافتند. این‌ها برخی از دلایلی هستند که جرم‌شناسان استدلال کرده‌اند که سیستم عدالت کیفری از جمله نهادهای اصلی در گیر در ساخت افراد دگرباش به‌عنوان افراد منحرف/بزه‌کار بوده و همچنان با آن‌ها رفتار می‌کنند.

نرخ نامتناسبی که در آن افراد تراجنسیتی در سطح جهانی زندانی می‌شوند، یکی از ابعاد خشونت ساختاری است که سیستم‌های عدالت کیفری علیه آن‌ها مرتکب می‌شوند (Van Hout et al, 2020, 273). برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، تقریباً از هر شش نفر تراجنسیتی، یک نفر تراجنسیتی در مقطعی از زندگی خود زندانی شده است و این میزان هنوز هم برای افراد تراجنسیتی از زنان رنگین‌پوست و دگرجنس‌گرا بیشتر است. علاوه بر این، حجم قابل توجهی از تحقیقات نشان داده است که حبس، افراد تراجنسیتی را به‌ویژه در برابر خشونت بین فردی سایر زندانیان و مقامات زندان آسیب‌پذیر می‌کند (Hereth, 2021, 468). همان‌طور که گفتیم، این نرخ‌های نامتناسب حبس، ناشی از تبعیضی است که افراد تراجنسیتی از اجرای قانون و عوامل سیستماتیک که افراد تراجنسیتی را نسبت به آن آسیب‌پذیرتر و با احتمال بیشتری با نهادهای کیفری مواجه می‌کند، تجربه می‌کنند. به‌عنوان مثال، موانع ساختاری و اقتصادی باعث می‌شود که افراد تراجنسیتی بیشتر در کارهای جنسی به کار گرفته شوند و آن‌ها را بیشتر در معرض سوءرفتار قرار می‌دهد، تا جرایم خشونت‌آمیز یا مواجهه با پلیس. نرخ بالای بی‌خانمانی در میان جمعیت‌های تراجنسیتی نیز زندانی شدن نامتناسب آن‌ها را تسهیل می‌کند. بسیاری از افراد تراجنسیتی در

7- Initialism of lesbian, gay, bisexual, transgender/transsexual, intersex and queer/questioning

دوران جوانی به دلیل عدم تطابق جنسیتی از خانه‌های خود اخراج، طرد شده یا فرار می‌کنند (Dempsey et al,2020,524). در این زمینه، بسیاری از جوانان دگرباش وارد چرخه سیستم عدالت کیفری می‌شوند و مجبور می‌شوند به روش‌های غیرقانونی تأمین معاش مانند دزدی، شرکت در قاچاق مواد مخدر یا کار جنسی غیرقانونی روی آورند. تجربه‌های مختلف دیگر، مانند سوءاستفاده از کودکان و مصرف مواد مخدر، نیز ممکن است به تعامل با سیستم‌های عدالت کیفری منجر شود و آسیب‌پذیری افراد تراجنسیتی در این سیستم‌ها را از طریق سطوح بالای افسردگی، سوءمصرف مواد و ایده خودکشی افزایش دهد.

با وجود این ادبیات بین‌المللی رو به رشد، اطلاعات بسیار کمی در مورد تجربیات افراد تراجنسیتی با سیستم عدالت کیفری وجود دارد. با این حال، تحقیقات موجود نشان می‌دهد که تجربیات تراجنسیتی معمولاً با رویه‌های بین‌المللی هم‌سو است. به‌عنوان مثال، افراد تراجنسیتی گزارش داده‌اند که از نظر تاریخی و تا به امروز شاهد انگ‌زنی و تبعیض قابل توجهی از سوی پلیس بوده‌اند. این تجربیات باعث می‌شود که افراد تراجنسیتی انتظار تعاملات نامطلوب با پلیس را داشته باشند و در نتیجه احتمال کمتری وجود دارد که داوطلبانه به پلیس مراجعه نمایند (Dwyer et al,2020,261). علاوه بر این، هنگامی که فرد تراجنسیتی با پلیس تماس می‌گیرد، پلیس تمایل به هم‌گن‌سازی و تغییر جنسیت جرایم دارد. نظرسنجی از افراد دگرباش از این یافته‌ها حمایت کرده است و نشان می‌دهد که افراد دگرباش و به خصوص تراجنسیتی، بیشتر از مردم عادی با برخوردهای خصمانه مواجه شده‌اند (Hill et al,2021,16). به‌عنوان مثال، گزارش جمعیت ترنزیشن^۸ نشان داد که حدود هجده درصد از افراد تراجنسیتی مورد بررسی، تبعیض پلیس را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، حدود سی و پنج درصد از افراد مورد بررسی که جرم را به پلیس گزارش داده بودند، احساس کردند که پلیس در طول این تعامل با آن‌ها شایسته و محترمانه رفتار نکرده است. تخمین تعداد افراد زندانی تراجنسیتی دشوار است؛ زیرا این داده‌ها به طور معمول ثبت نمی‌شوند و سیاست‌های مربوط به مدیریت زندانیان تراجنسیتی متفاوت است و گاه به طور کلی نادیده گرفته می‌شود.

با این حال، برخی تحقیقات بر روی زندانیان تراجنسیتی در سطح بین‌المللی انجام شده است که عمدتاً بر روی زنان تراجنسیتی متمرکز است. این تحقیقات نشان داده‌اند که زنان تراجنسیتی هنگامی که در زندان‌های مردان قرار می‌گیرند، در معرض خطر خشونت و تجاوز جنسی هستند (Wilson et al,2017,384). تحقیقات بیشتری در مورد تجربیات تراجنسیتی پیرامون سیستم عدالت کیفری مورد نیاز

است. دانش جامع‌تر در مورد تجربیات افراد تراجنسیتی در سیستم عدالت کیفری برای شناسایی چگونگی و چرایی دریافت رفتارهای نامطلوب از سیستم و اطلاع از توسعه استراتژی‌های حمایتی و اصلاحی در جهت بهبود این رفتارهای نامطلوب ضروری است.

شرکت‌کنندگان

ما طی بررسی اطلاعات حاصل از مطالعات منابع در دسترس، در مجموع پاسخ‌چهل و دو شرکت‌کننده را انتخاب کردیم. شرکت‌کنندگان شامل هفده نفر از افراد هجده تا شصت و چهار ساله تراجنسیتی بودند که همه آن‌ها نشان دادند که تجربه‌ای در تعامل با سیستم عدالت کیفری داشته‌اند. از میان شرکت‌کنندگان تراجنسیتی، ده نفر در درجه اول به‌عنوان زنان ترنس، سه نفر به‌عنوان مردان ترنس و چهار نفر به‌عنوان افراد غیرترنس، خنثای مشکل، خنثای روانی و یا خنثای غیرمشکل شناخته شدند. با این حال، برخی از شرکت‌کنندگان از بیش از یکی از این عناوین برای توصیف خود استفاده کردند، برای مثال، خود را به‌عنوان یک زن ترنس و جنسیت‌گرا توصیف کردند. شرکت‌کنندگان همچنین بیست و پنج وکیل بیست و پنج تا هشتاد و چهار ساله بودند که همه آن‌ها گزارش دادند که حداقل یک موکل تراجنسیتی در سیستم عدالت کیفری داشته‌اند. نه نفر (سی و هفت و نیم درصد) از شرکت‌کنندگان در این گروه در بدو تولد مرد بودند، در حالی که پانزده نفر (شصت و دو و نیم درصد) در بدو تولد جنسیت زن برای‌شان اختصاص داده شده بود و یکی از آن‌ها این اطلاعات را فاش نکرد. هویت‌های جنسیتی آن‌ها متنوع بود و هفت نفر (بیست و هشت درصد) به‌عنوان جنسیت‌های ترنس و یا دگرجنس‌گرا شناخته می‌شدند. گرایش‌های جنسی آن‌ها نیز متفاوت بود و ده نفر (چهل درصد) به‌عنوان دگرجنس‌گرا، ده نفر (چهل درصد) به‌عنوان دوجنس‌گرا، سه نفر (دوازده درصد) به‌عنوان همجنس‌گرا، لژیین یا همجنس‌گرا و دو نفر (هشت درصد) به‌عنوان خنثای مشکل شناخته می‌شدند.

با توجه به این که اندازه نمونه ما متوسط است، در تعمیم بر اساس یافته‌های خود نیز احتیاط می‌کنیم. با این حال، این نمونه به چند دلیل، بینش‌های ارزشمندی را فراهم می‌کند. اول، نمونه ما نسبت به جمعیت شرکت‌کننده ما کوچک است. آمار دقیق تعداد افراد تراجنسیتی در جمعیت عمومی به دلایل مختلف وجود ندارد و به دست آوردن آن نیز به راحتی میسر نخواهد بود و هیچ اطلاعاتی در مورد تعداد افرادی که با سیستم عدالت کیفری تماس داشته‌اند یا زندانی هستند، وجود ندارد. با این حال، با توجه به این که افراد تراجنسیتی جمعیت نسبتاً کمی را تشکیل می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که تعداد وکلایی که با

موکلان تراجنسیتی کار کرده‌اند نیز احتمالاً کم خواهد بود. دوم، یک نمونه متوسط (اما با این وجود، ارزشمند) در تحقیقات مربوط به جمعیت‌های به حاشیه رانده شده و «سخت‌گیر» مانند افراد تراجنسیتی انتظار می‌رود. سوم، هدف ما اکتشافی است نه جامع. با توجه به کمترین تحقیقات در این حوزه، ما این پروژه را به‌عنوان یک تمرین هدف‌گذاری و دستور کار می‌بینیم. ما امیدواریم که این پروژه الهام‌بخش تحقیقات بزرگ‌تر در مورد تجربیات افراد تراجنسیتی در مواجهه با سیستم عدالت کیفری باشد.

جامعه هدف

ما در پرسشنامه‌های تنظیمی دو نوع نظرسنجی طراحی کردیم که یک نظرسنجی برای افراد تراجنسیتی که تجربه تماس با سیستم عدالت کیفری را داشتند طراحی و ارائه شد. نظرسنجی دوم برای ثبت تجربیات و کلا به نمایندگی از سوی مراجعان (موکلان) تراجنسیتی و کمک به آن‌ها در هدایت این سیستم انجام شده است. بررسی ما برای افراد تراجنسیتی شامل هفت پرسش بود که به اطلاعات دموگرافیک (شامل سوالات مربوط به هویت جنسیتی)، ساختارهای حمایت اجتماعی، تجربیات مربوط به پلیس، تجربیات مربوط به دادگاه، تجربیات مربوط به وکلا (متخصصان حقوقی)، تجربیات مربوط به زندان و تجربیات مرتبط با قربانیان جرم، مربوط می‌شد. نظرسنجی ما برای وکلا نیز شامل هفت دسته سوالات مرتبط با اطلاعات دموگرافیک (شامل سوالات مربوط به هویت جنسیتی)، نگرش‌های حرفه و کالت نسبت به افراد تراجنسیتی، تجارب کار با مشتریان تراجنسیتی، دانش در مورد تجربیات مشتریان تراجنسیتی در بازداشت، تجارب مربوط به دادگاه‌ها، تجارب دسترسی به خدمات و تجارب دسترسی به برنامه‌های آموزشی مرتبط به تراجنسیتی بود. هر دسته در هر دو نظرسنجی شامل ترکیبی از سوالات مقیاس لیکرت^۹ و سوالاتی بود که به دنبال پاسخ‌های نوشتاری کوتاه بودند.

نظرسنجی ما بین یکم مهر ماه تا سی ام بهمن ماه ۱۴۰۱ باز بود. ما شرکت‌کنندگان تراجنسیتی را به صورت آنلاین از طریق پلتفرم‌های اجتماعی دعوت کردیم و نظرسنجی‌های خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی توزیع کردیم. علاوه بر این، ما از طریق نمایندگان قانونی آن‌ها و سازمان‌هایی که از افراد تراجنسیتی در بازداشت حمایت می‌کنند، به مشتریان تراجنسیتی رسیدیم. ما همچنین وکلا را از طریق

۹- مقیاس لیکرت یا طیف لیکرت (Likert Scale) به نوع سوالی گفته می‌شود که از پاسخ‌دهنده‌ها طی چند گزینه می‌خواهیم پاسخ سوال را مشخص کنند.

رسانه‌های اجتماعی، از طریق تبلیغات شفاهی و از طریق شرکت‌ها و سازمان‌های حقوقی که لینک‌های نظرسنجی آنلاین را از طریق کارمندان و شبکه‌های خود توزیع می‌کردند، دعوت کردیم. پژوهشگران برای توزیع مطالب پژوهش برای شرکت‌کنندگان بالقوه بسیار مهم بودند. به‌عنوان یک پروژه تحقیقاتی مشترک بین دانشگاهیان، متخصصان و سازمان‌های مدافع اجتماعی، پژوهشگران با فعالان عدالت کیفری و سازمان‌های مدافع ارتباط داشتند که می‌توانستند با جزئیات به هدف پروژه نزدیک شوند.

۱- یافته‌ها و بحث: نظرسنجی با افراد ترنس و تراجنسیتی

افراد تراجنسیتی در بررسی ما گزارش دادند که طیف وسیعی از تعاملات با سیستم عدالت کیفری را تجربه کرده‌اند، از جمله حضور در دادگاه به‌عنوان یک متهم یا شاهد، دستگیر شدن توسط پلیس، متهم شدن به جرم، بازداشت شدن در بازداشتگاه و محکوم شدن به حبس یا محکومیت غیرقانونی. غالب شرکت‌کنندگان بیش از یکی از این تعاملات را تجربه کرده بودند. علاوه بر این، بسیاری از شرکت‌کنندگانی که به ارتکاب جرم متهم شده بودند نیز قربانی جرم شده بودند. در ادامه، آنچه را که شرکت‌کنندگان در مورد هر یک از این نوع برخوردها با سیستم عدالت کیفری به ما گفتند، شرح می‌دهیم.

۱-۱- تجربیات با پلیس

در حالی که حجم نمونه شرکت‌کنندگان در نظرسنجی که تعاملات با پلیس را گزارش کرده بودند، اندک بود، تجربیات آن‌ها با تحقیقات موجود که در سطح بین‌المللی انجام شده بود، همخوانی داشت. شرکت‌کنندگان پلیس را دارای دانش بسیار کمی در مورد افراد یا مسائل تراجنسیتی می‌دانستند و اشاره می‌کردند که پلیس ممکن است فاقد آموزش یا منابع برای تعامل مناسب با شهروندان تراجنسیتی باشد. یکی از شرکت‌کنندگان پیشنهاد کرد که پلیس باید در گروه‌های حمایتی برای افراد تراجنسیتی شرکت کند تا به عادی‌سازی تماس و بهبود تعاملات آن‌ها با ایشان کمک شود.

افراد تراجنسیتی همچنین متذکر شدند که در درجه اول تجربه‌های نامطلوبی با پلیس داشته‌اند. چهار نفر از پنج شرکت‌کننده احساس می‌کردند که پلیس بر اساس هویت جنسیتی آن‌ها با بی‌احترامی برخورد کرده است و چهار شرکت‌کننده اذعان داشتند که پلیس هرگز از ضمایر خطایی صحیح آن‌ها استفاده نکرده است. سه شرکت‌کننده تجربیات خود با پلیس را بسیار منفی ارزیابی کردند و شرکت‌کنندگان در مجموع از افشای هویت جنسیتی خود به پلیس بسیار ناراحت بودند. یکی از شرکت‌کنندگان نوشته است

که برخی از پلیس‌ها فکر می‌کنند که من به خاطر نحوه لباس پوشیدن مشکل دارم یا در دسر درست می‌کنم. علاوه بر این، افراد تراجنسیتی گزارش کردند اعتماد چندانی به پلیس ندارند. همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت: شما همه پلیس‌ها! هرگز مورد اعتماد نیستند؛ زیرا از موقعیت، اعتماد و قدرت خود سوءاستفاده می‌کنید.

۱-۲- تجربیات در دادگاه

افراد تراجنسیتی تجربه‌های متفاوتی را در دادگاه گزارش کردند. شرکت‌کنندگان تراجنسیتی اغلب مطمئن نبودند که آیا قاضی بر اساس هویت جنسیتی آن‌ها با ایشان رفتار بدتری داشته است یا خیر. به عنوان مثال، آن‌ها گزارش دادند که قضات در استفاده از ضمائر صحیح خود متناقض هستند. با این حال، از هر پنج شرکت‌کننده، سه نفر احساس می‌کردند که در دادگاه تا حدی با آن‌ها بی‌احترامی شده است. همه شرکت‌کنندگان از ارائه هویت جنسیتی خود به صورت معتبر در دادگاه ناراحت بودند و بیشتر آن‌ها از افشای هویت جنسیتی خود ناراحت و نگران بودند. یکی از شرکت‌کنندگان با اشاره به اهمیت این نکته پیشنهاد کرد که قضات و دادرسان به این نکته توجه داشته باشند که افراد تراجنسیتی بدون ایراد تحقیر و تخطی از قضاوت‌های اشتباه و عدم درک، از تجربیات آسیب‌زای زیادی رنج می‌برند. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان یکی از برخوردهای بسیار منفی را در دادگاه توصیف کرد و نوشت: «یک بار مجبور شدم خودم به تنهایی در جلسه دادگاه حضور یابم، چون نمی‌توانستم و کیلی برای خودم انتخاب کنم [و] آن‌ها در اتاق دادگاه نشسته بودند و به من می‌خندیدند... من هیچ وقت در عمرم تا این حد احساس تحقیر و نومی‌دی نمی‌کردم که چنین تبعیضی را از سوی افراد به اصطلاح حرفه‌ای تجربه کرده بودم».

۱-۳- تجربیات با وکلا

پاسخ‌های نظرسنجی در رابطه با تجربیات افراد تراجنسیتی در برخورد با وکلا نیز متفاوت بود. نیمی از شرکت‌کنندگان گفتند که وکلا با آن‌ها محترمانه برخورد کرده‌اند، اما نیمی دیگر اظهار داشتند که وکلا با آن‌ها تا حدی یا بسیار بی‌احترامی کرده‌اند. شرکت‌کنندگان همچنین بر اساس هویت جنسیتی خود به دو دسته تقسیم شده بودند، برخی احساس می‌کردند که هویت جنسیتی آن‌ها به طور قطعی مشخص نیست، برخی احساس می‌کردند که هویت جنسیتی آن‌ها قطعاً یک عامل نیست و برخی دیگر احساس عدم اطمینان می‌کردند. گزارش شده است که وکلا حداقل گاهی اوقات از ضمائر صحیح افراد استفاده می‌کنند، اما تنها

دو نفر از پنج شرکت‌کننده گزارش دادند که وکلا از ضمایر صحیح متناسب استفاده می‌کنند. شرکت‌کنندگان، وکلا را عموماً در مورد تنوع جنسیتی آگاه می‌دانستند. با این حال، پاسخ‌های مکتوب، زمینه‌های بهبود را به تفصیل شرح داده است. یکی از شرکت‌کنندگان وکلا را تشویق کرد تا به مردم بگویند که چگونه می‌خواهید با احترام و حفظ حریم خصوصی رفتار کنید. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان از وکلا خواست تا فعالانه‌تر با موکلان خود تعامل داشته باشند و نوشت که آن‌ها با کنجکاوی بیشتری سوالاتی در این مورد با فرد مطرح می‌کنند تا درک بیشتری به دست آورند. این دعوت شرکت‌کنندگان از وکلا برای پرسیدن سوالات بیشتر از افراد تراجنسیتی باید در یک زمینه وسیع‌تر درک و مطالعه شود که در آن افراد تراجنسیتی اغلب در معرض اشکال تحقیرکننده کنجکاوی قرار دارند. یازده نفر (شصت و پنج درصد) از هفده شرکت‌کننده تراجنسیتی پرسش‌های شخصی نامناسب را از جمله تجربه‌های نامطلوبی دانست که با آن مواجه شده بودند. علاوه بر این، یازده نفر (چهل و چهار درصد) از بیست و پنج متخصص حقوقی که ما بررسی کردیم نیز گزارش دادند که شاهد قرار گرفتن افراد تراجنسیتی در معرض سوالات شخصی نامناسب در فرآیند کفیری بودند. این یافته‌ها در کنار هم نشان می‌دهند که کنجکاوی محترمانه در مورد موضوعات مرتبط، که به طور صریح در منافع افراد تراجنسیتی پیش می‌رود، به احتمال زیاد مفیدتر از کنجکاوی نامحترمانه است.

۱-۴- تجربیات زندان

شرکت‌کنندگان تراجنسیتی، متفق‌القول تجربیات نامطلوبی را در زندان خاطر نشان کردند و هیچ یک از آن‌ها تجربه‌های مثبتی با کارکنان زندان نداشتند. همه شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی ابراز داشتند که احساس می‌کردند که کارکنان زندان به دلیل هویت جنسیتی‌شان با آن‌ها رفتار بدتری داشته‌اند و بیشتر شرکت‌کنندگان گفتند که تجربیات آن‌ها با کارکنان زندان تا حدودی یا بسیار منفی بوده است. آن‌ها همچنین نیاز به گروه‌های حمایتی، دسترسی به تسهیلات زندان ترجیحی، هورمون درمانی و لباس‌هایی که هویت جنسیتی آن‌ها را بیان می‌کرد، ابراز کردند. البته در حالی که برخی از شرکت‌کنندگان در تسهیلاتی همسو با هویت جنسیتی خود اسکان داده شده بودند، به همان اندازه که بسیاری از آن‌ها فاقد ثبات در اسکان زندانیان تراجنسیتی بودند.

تجربه‌ها با دیگر زندانیان کمی متفاوت‌تر بود. اغلب شرکت‌کنندگان از افشای هویت جنسیتی خود برای دیگر زندانیان احساس ناراحتی می‌کردند و از تجربه بی‌احترامی، تبعیض یا رفتار بدتر بر اساس

هویت جنسیتی خود اظهار نگرانی و تأسف می‌کردند. زندانیان تراجنسیتی آزار و اذیت جنسی از سوی دیگر زندانیان و زورگویی از سوی زندانیان و کارکنان زندان را گزارش کردند. یکی از شرکت‌کنندگان نوشت: «من هر روز مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرم و همچنان در زندانی متشکل از مجرمان جنسی و مرتکبان خشونت خانگی و یا زن‌ستیزان و جنسیت‌گرایان هستم». این در حالی است که آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ با اصلاحات ۱۴۰۰/۱۱/۰۶ در مواد مختلفی از جمله؛ ماده‌های ۲، ۳۶، ۴۷، ۱۴۴ و ۲۸۴ به لزوم تعیین جنسیت فرد بازداشتی و زندانی و همچنین بررسی ناسازگاری‌ها و ناهنجاری‌های روانی فرد و شناسایی مبتلایان به اختلاف هویت جنسی افراد ضمن تشکیل پرونده رفتاری تأکید نموده است.

۱-۵- تجربیات به‌عنوان بزه دیده

هفت شرکت‌کننده در نظرسنجی، قربانی جنایتی شدند که هویت جنسیتی آن‌ها یکی از عوامل آن بود. رایج‌ترین تجربه به‌عنوان قربانی جنایت، تجاوز جنسی (هشتادوپنج درصد از شرکت‌کنندگان) و پس از آن حمله فیزیکی (هفتادویک درصد)، حس تنفر (پنجاه و هفت درصد)، و خشونت خانوادگی یا دوستانه شریک زندگی (چهل و سه درصد) بود. برخی از شرکت‌کنندگان توضیحاتی در مورد چگونگی جنسیت خود ارائه کردند. به‌عنوان مثال یکی از آن‌ها که اعلام کرد توسط فردی که شیشه ماشین را شکسته و پنج بار به صورتش مشت زده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته است، باور داشت که این اتفاق به این دلیل رخ داده است که فرد مجرم متوجه شده بود که من متفاوت به نظر می‌رسم.

شرکت‌کنندگان گزارش دادند که در گزارش جرایم به پلیس مردد هستند. تنها دو نفر از هفت نفر (بیست و نه درصد) شرکت‌کنندگان جرایم علیه خود را به پلیس گزارش کرده بودند. به فساد پلیس، زورگویی، سهل‌انگاری، بی‌تفاوتی و امتناع از جدی گرفتن موقعیت‌ها، به‌عنوان عوامل مؤثر در عدم گزارش خود اشاره کردند. در برخی موارد، آن‌ها تلاش کردند که گزارش دهند اما از اداره پلیس اخراج شدند، با آن‌ها بی‌اعتنایی یا بی‌احترامی شد، یا از کمک به آن‌ها امتناع کردند. به‌عنوان مثال، یکی از شرکت‌کنندگان نوشت که پلیس با بی‌تفاوتی به گزارش آن‌ها پاسخ داد و اشاره کرد که آن‌ها از مداخله جدی در این وضعیت معذور هستند. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در این تحقیق گفت: من به‌عنوان یک قربانی جرم مجبور شدم به‌عنوان یک مجرم به نظر برسم و به دلیل وضعیت جنسیتی‌ام خشونت زیادی را از سوی پلیس تجربه کردم. این شرکت‌کنندگان تجربه‌های مشابهی را هنگام حضور در دادگاه به‌عنوان

قربانی جرم گزارش کردند. چهل درصد از این هفت شرکت کننده اظهار داشتند که با آن‌ها بسیار بی‌احترامی شده است. یکی از شرکت کنندگان گفت: «هیچ کاری انجام نشده است. احساس می‌کنم به حال خود رها شده‌ام و تنها هستم. من بدترین رفتارها را از پلیس، وکلا و دادگاه‌ها دیده‌ام چون تا به حال بدترین‌ها را تجربه کرده‌ام و همیشه به خاطر بی‌عدالتی سیستم فعلی ما به خصوص در شهرهای کوچک و دادگاه‌ها و پلیس‌ها انتظار بدترین رفتارها را داشته و امید به بهترین‌ها را دارم».

۲- یافته‌ها و بحث‌ها: بررسی با وکلا

وکلایی که پرسش‌نامه ما را تکمیل کردند، شاهد تبعیض سیستم عدالت کیفری علیه افراد تراجنسیتی به روش‌های مختلف بودند و چندین استراتژی را پیشنهاد دادند که به اعتقاد آن‌ها به حل این مشکل کمک خواهد کرد. پاسخ‌های آن‌ها به سه مسئله اصلی مربوط می‌شد: روش‌هایی که حرفه وکالت می‌تواند رفتار خود را با افراد تراجنسیتی بهبود بخشد، تجارب افراد تراجنسیتی در بازداشت و روش‌هایی که بخش خدمات اجتماعی می‌تواند نیازهای مردم را بهتر برآورده کند. در این بخش هر یک از این مسائل را به نوبت بررسی می‌کنیم.

چگونه حرفه وکالت می‌تواند طرز رفتار با افراد تراجنسیتی را بهبود بخشد؟ شرکت کنندگان دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد این که حرفه وکالت تا چه حد افراد تراجنسیتی را درک می‌کند و با آن‌ها به خوبی رفتار می‌کند، گزارش کردند. تنها هجده درصد از شرکت کنندگان حرفه وکالت را فوق‌العاده یا بسیار همسو برای افراد تراجنسیتی توصیف کردند و هشتاد و دو درصد باقی‌مانده این حرفه را تا حدودی مفید دانستند. دیدگاه‌های شرکت کنندگان در مورد دانش وکلا در مورد افراد تراجنسیتی مشابه بود، دو شرکت کننده حرفه وکالت را بسیار آگاه و اثربخش توصیف می‌کردند، شانزده نفر به طور متوسط و چهار نفر به طور کامل ناآگاه ارزیابی کردند. در محیط‌های حرفه‌ای، بیشتر شرکت کنندگان گزارش دادند که شاهد نگرش‌های منفی، کلیشه‌ها و باورهای نادرست در مورد افراد مختلف جنسیتی و تراجنسیتی، تعصب یا تبعیض و ناباوری یا خوارپنداری در خطاب نمودن ضمایر یا هویت جنسیتی هستند.

یکی از سوالات ما از شرکت کنندگان این بود که حوزه‌هایی را پیشنهاد دهند که در آن‌ها وکلا بتوانند رفتار حرفه‌ای حقوقی با افراد تراجنسیتی را بهبود بخشند. در پاسخ به این سوال، شرکت کنندگان سه نوع از مشکلات را شناسایی کردند. بسیاری از شرکت کنندگان گفتند که اغلب وکلا نمی‌دانند که چگونه با افراد تراجنسیتی صحبت کنند یا در مورد آن‌ها بحث کنند یا آداب اولیه مانند استفاده از ادبیات

محترمانه و اسامی و ضمایر صحیح را انجام دهند. همان‌طور که یک شرکت‌کننده نوشته است: اغلب محیط‌های کاری حقوقی نمی‌دانند چگونه نیازهای یک عضو یا مشتری را برآورده کنند و در آموزش، سیاست‌ها یا تسهیلاتی برای تطبیق مناسب قرار نداده‌اند. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به این نکته اشاره کرد که وکلا باید درک کنند که چگونه جنبه‌های دیگر شخصیت یک مشتری ممکن است با هویت جنسیتی آن‌ها تداخل پیدا کند و نوشت که به‌عنوان یک شخصیت بومی، فرهنگ من به اندازه هویت من مهم است و من به احتمال زیاد خودم را به‌عنوان یک ترنس بومی توصیف می‌کنم نه فقط ترنس.

دوم، شرکت‌کنندگان پیشنهاد کردند که وکلا باید درک بهتری داشته باشند و بدانند که چگونه به نیازها و آسیب‌پذیری‌های منحصر به فرد افراد تراجنسیتی در تعامل با سیستم عدالت کیفری پاسخ دهند. یکی از شرکت‌کنندگان به صراحت نوشت که آن‌ها (شرکت‌کنندگان) ادعا نمی‌کنند که مسائل را به اندازه کافی خوب درک می‌کنند تا نگرانی‌های مردم تراجنسیتی در برخورد با وکلا را درک کنند. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان پیشنهاد کرد که وکلا، به‌طور کلی، نیاز به آگاهی بیشتر از مسائلی دارند که افراد تراجنسیتی با آن‌ها مواجه هستند و تقاطع آن‌ها با عدالت کیفری است. بسیاری از شرکت‌کنندگان پیشنهاد کردند که آموزش و فرهنگ‌سازی بهتر می‌تواند این مشکل را حل کند. برخی از شرکت‌کنندگان اشاره کردند که وکلا باید سطح اطلاعات خود را ارتقاء دهند، در حالی که دیگران خواستار برنامه‌های آموزشی اختصاصی برای بهبود دانش و عملکرد حرفه‌ای در مورد افراد تراجنسیتی شدند. به‌عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان نوشته است که باید آموزش‌های بیشتری برای پلیس در رابطه با هویت جنسیتی و مسائل خاصی که افراد مختلف با آن مواجه هستند، وجود داشته باشد. با این حال، برخی از شرکت‌کنندگان این سوال را مطرح کردند که آیا آموزش بیشتر یا بهتر می‌تواند این مشکل را حل کند یا خیر، با اشاره به این که افراد آموزش خوبی دارند اما نگرش‌ها اغلب چالش‌برانگیز هستند.

سایر شرکت‌کنندگان تغییرات رسمی و رویه‌ای را پیشنهاد کردند که افرادی که در سیستم عدالت کیفری کار می‌کنند را ملزم به استفاده از اسامی و ضمایر صحیح افراد تراجنسیتی می‌کنند. به‌عنوان مثال، یکی از شرکت‌کنندگان توصیه کرد که پلیس [نباید] جنسیت زمان تولد را در فرم‌های تحقیق پلیس تعیین کند و پرونده‌های دادگاه نشان‌دهنده هویت جنسیتی است و نه جنسیت تعیین شده در مدارک هویتی. برخی دیگر پیشنهاد کردند که باید روش‌هایی برای اطمینان از اجرای واضح ضمایر مناسب برای مخاطب قرار دادن مراجعین و نمایندگان قانونی در دادگاه وجود داشته باشد و همچنین فرآیندی برای اطمینان از

این که وکلا بتوانند سازمان‌های دیگر (مانند پلیس و دادگاه) را در هنگام مشاهده رفتار تبعیض‌آمیز (مانند پلیس که مراجعین را به گمنام معرفی و خطاب می‌کند) گزارش کنند. در نهایت، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان پیشنهاد کرد که سیستم عدالت کیفری باید برای رسیدگی به افرادی که به‌عنوان غیرهمجنس‌گرا شناخته می‌شوند، اقداماتی را انجام دهد و اشاره کرد که در حال حاضر، دادگاه تنها اجازه می‌دهد که طرفین به‌عنوان آقا و خانم شناخته شوند.

شرکت‌کنندگان همچنین نیاز به دیگر تغییرات ساختاری و سیستمی برای حمایت از افراد تراجنسیتی در سیستم عدالت کیفری را اعلام کردند. برخی از شرکت‌کنندگان بر نیاز وکلا به دسترسی به مستندات و منابع بهتر برای کمک به آن‌ها برای دفاع بهتر از افراد تراجنسیتی در سیستم تأکید کردند. به‌عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان نوشت که آن‌ها می‌خواهند مطالب و ذخیره بیشتری از منابع برای تقویت موضوع جنایی از نظر درمانی در دسترس داشته باشند تا بتوانند به متقاضیان خدمات متناسب ارائه نمایند. شرکت‌کنندگان متعددی گسترش خدمات هدفمند درون‌سازمانی مانند مددکاران رابط دگرباش یا حمایت دادگستری برای کمک به مشتریان تراجنسیتی را مؤثر دانستند. چندین شرکت‌کننده نیز زمان بیشتر برای مطالعه پرونده در دادگاه را برای حمایت از افراد تراجنسیتی در زمینه‌های کیفری، حیاتی دانستند. به‌عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان نوشته بود که قاضی بهتر است به اندازه کافی وقت بگذارد حتی اگر فرد تراجنسیتی، مجرم باشد.

۳- تجربیات نامطلوب افراد تراجنسیتی در بازداشت

همه به جز یک شرکت‌کننده گزارش دادند که آن‌ها بر این باور بودند که موکل شان به دلیل هویت جنسیتی در زندان مورد بدرفتاری قرار گرفته است. شرکت‌کنندگان در پاسخ به سوالی که از شرکت‌کنندگان می‌خواست هر گونه تجربه نامطلوبی را که موکل تراجنسیتی آن‌ها به دلیل هویت جنسیتی در بازداشت تجربه کرده بود، شرح دهند، طیف وسیعی از روش‌هایی را شرح دادند که در آن‌ها سیستم عدالت کیفری به افراد تراجنسیتی آسیب می‌رساند یا آن‌ها را در برابر سوءاستفاده آسیب‌پذیر می‌کند. چندین شرکت‌کننده مستقیماً به روش‌هایی اشاره کردند که ممکن بود برای محافظت از افراد تراجنسیتی در برابر آسیب یا کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر آسیب‌پذیری شده باشد اما اثر عکس داشت. به‌طور خاص، شرکت‌کنندگان مکرراً به استفاده از ایزولاسیون برای اطمینان از ایمنی افراد تراجنسیتی در زمینه‌های کاری اشاره کردند. یکی از شرکت‌کنندگان نوشت که موکلان آن‌ها اغلب برای

منافع خود تحت حفاظت قرار می‌گیرند اما اشاره کرد که این انزوا می‌تواند بر سلامت روانی آن‌ها تأثیر بگذارد. نگهداری در بازداشت و در نتیجه عدم حضور در دادگاه می‌تواند مضر باشد؛ زیرا مانع دسترسی مناسب به وکیل برای ارائه معاضدت و مطالعه پرونده و تنظیم لوائح دفاعی علیه آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، در صورتی که رسیدگی نیاز به تعویق داشته باشد، می‌تواند روند دادرسی را به تأخیر بیندازد، در نتیجه زمان بازداشت فرد را افزایش دهد، آن‌ها را از دسترسی به خدمات محروم کند، به طور بالقوه اشتغال یا مسکن را به خطر بیندازد و احتمال تمدید قرار بازداشت موقت را افزایش دهد. همه این عوامل می‌توانند نگرانی‌های سلامت روان را تشدید کنند.

بسیاری از شرکت‌کنندگان اشاره کردند که افراد زندانی تراجنسیتی اغلب توسط دیگر زندانیان و کارکنان زندان مورد آزار و اذیت یا حمله قرار می‌گیرند. برخی از شرکت‌کنندگان گزارش داده‌اند که موکلان آن‌ها مورد آزار کلامی قرار گرفته‌اند، برای مثال نوشته‌اند موکلان آن‌ها به دلیل هویت جنسیتی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، برخوردهای شدیدی را از سوی مقامات زندان تحمل کرده‌اند، یا به الفاظ تراجنسیتی و توهین‌آمیز و... به طور منظم مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. برخی دیگر گزارش داده‌اند که موکلان آن‌ها در حین حبس مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، آن‌ها با افراد شرووری در مددکاری اجتماعی (ماموران واحد اصلاح و تربیت) مواجه شده‌اند یا این که از نظر جسمی و روانی هم توسط کارکنان زندان و هم توسط سایر زندانیان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. بسیاری از شرکت‌کنندگان آزار و اذیتی که افراد در حین حبس تجربه می‌کنند را از نوع جنسی دانسته و معتقد بودند توسط زندانیان و کارکنان زندان انجام می‌شود. یکی از شرکت‌کنندگان نوشت که موکلش مورد آزار و اذیت و تجاوز (از جمله تجاوز جنسی) زندانیان دیگر و کارکنان زندان قرار گرفته است. چندین شرکت‌کننده دیگر نیز گزارش دادند که موکلان آن‌ها در حین بازداشت در زندان‌های مردان بزرگسال مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. یکی از آن‌ها توضیح داد که یکی از موکلانش به‌عنوان جایزه مسابقات بیلیارد زندانیان پیشنهاد شده و مورد تجاوز قرار گرفته است.

عوامل متعددی آسیب‌های تجربه شده توسط افراد زندانی تراجنسیتی را تشدید می‌کند. به‌عنوان مثال، شرکت‌کنندگان اغلب اشاره می‌کردند که کارکنان زندان یا درک نمی‌کنند یا علیرغم شیوع این آسیب‌ها، واکنش مناسبی نشان نمی‌دهند. شرکت‌کنندگان اغلب گزارش می‌دادند که وقتی قربانیان این آسیب‌ها را به گوش آن‌ها می‌رساندند، کارکنان واکنشی نشان نمی‌دادند. به‌عنوان مثال، یکی از

شرکت کنندگان نوشت که آزار و اذیت و ضرب و شتم اغلب توسط کارکنان زندان کم اهمیت یا نادیده گرفته شده است. در واقع، شرکت کننده‌ای که مشتری او به عنوان جایزه معرفی شده بود، اضافه کرد که به این موکل گفته شده بود که در زمان گزارش حادثه، از آن گذشت کند. در موارد دیگر، کارکنان زندان با عدم اتخاذ تدابیری برای تضمین امنیت خود علیرغم افزایش خطر قربانی شدن، افراد تراجنسیتی را در معرض خطر خشونت قرار دادند. به عنوان مثال، یکی از شرکت کنندگان گزارش داد که مشتریان تراجنسیتی آن‌ها به دلیل افزایش خطر خشونت ناشی از ترنس بودن، به جای سلول‌های تک سلولی در سلول‌های دوتا یا سه نفره قرار داده شده‌اند. به گفته شرکت کنندگان، این عدم امنیت علاوه بر خود آسیب، سلامت موکلان آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از شرکت کنندگان نوشت که موکلش نمی‌خواهد چون از اتفاقی که برای او خواهد افتاد وحشت دارد. این مشکل مختص زندان‌های مردان نبود. یکی از شرکت کنندگان نوشت که در حالی که موکل آن‌ها در نهایت توانست به [زندان زنان] منتقل شود، پس از ورود، احساس کردند که توسط جمعیت زندان پذیرفته نشده است.

شرکت کنندگان همچنین شیوه‌های مختلف شناخت نادرست را به عنوان ابزاری که توسط آن، سیستم عدالت کیفری به افراد تراجنسیتی آسیب می‌رساند، شناسایی کردند. این اقداماتی بودند که هویت جنسیتی افراد تراجنسیتی را رد یا باطل می‌کردند یا از حمایت از راه‌های افراد تراجنسیتی برای تأیید یا بیان هویت جنسیتی آن‌ها خودداری می‌کردند. در این رابطه بارها به سوءجنسیت و بدنامی اشاره شده است. اغلب این اعمال در برخوردهای بین فردی نمود پیدا می‌کنند. یکی از شرکت کنندگان نوشت که «موکلان هر روز در زندان مورد سوءجنسیت قرار می‌گیرند و شخصیت‌شان تخریب می‌شود». یکی دیگر از شرکت کنندگان تجربیات یکی از مشتریان خود را بازگو کرد (خواهری (خانم جلسه‌ای) که مراسم زنانه را در محله‌اش برگزار می‌کرد) که «در زندان مردانه قرار گرفته بود» که در آنجا کارکنان زندان، او را به نام قبلی‌اش صدا می‌زدند و به او به عنوان مذکر اشاره می‌کردند.

در اسناد رسمی و مکاتباتی نیز افراد تراجنسیتی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. یکی از شرکت کنندگان نوشت که موکلش در معرض ارجاع مداوم به جنسیت اشتباه در اسناد رسمی قرار گرفته است. یکی دیگر از شرکت کنندگان اشاره کرد که نهادهای دولتی نامه‌هایی را به نام قبلی آن‌ها می‌فرستد و به آن‌ها اجازه نمی‌دهد تا برای تغییر نام خود به اداره ثبت احوال مراجعه کنند. یکی از شرکت کنندگان خاطرنشان کرد که سیستم عدالت کیفری و کلای تراجنسیتی را نیز در معرض این گونه آسیب‌ها قرار می‌دهد. یکی از

شرکت کنندگان با نوشتن در مورد تجربه شخصی خود به‌عنوان یک وکیل، اظهار داشت: «پس از عمل جراحی، توسط یک قاضی در حالی که در دادگاه تجدیدنظر با دامن، بلوز، ژاکت و کفش پاشنه بلند نشسته بودم، مرد خطاب شدم. علاوه بر این، یک قاضی به من گفت که برای ایجاد یک زن بیشتر از عمل جراحی لازم است و صرف انجام عمل جراحی به انسان شخصیت زنانه نمی‌بخشد».

شرکت کنندگان گزارش دادند که سیستم عدالت کیفری به مشتریان تراجنسیتی خود در بازداشت، از طریق عدم ارائه مراقبت‌های جنسیتی آسیب رسانده بود. برای مثال، چندین شرکت کننده گفتند که مشتریان شان از دسترسی به درمان جایگزینی هورمونی محروم شده‌اند یا «نسخه‌های درمانی آن‌ها توسط کادر حراست کنترل شده است، نه دکتر خودشان». یکی از شرکت کنندگان گزارش داد که بیماران مبتلا به این بیماری در دسترسی به درمان روان‌شناختی دچار مشکل شده‌اند و برخی از آن‌ها پیش از دریافت مراقبت‌های پزشکی مناسب (از جمله درمان جایگزینی هورمون و مشاوره) چندین سال در زندان بوده‌اند. سایر شرکت کنندگان عدم ارائه لباس‌های مناسب جنسیتی و محصولات مراقبت شخصی را بخش مهمی از این بی‌توجهی می‌دانستند.

۴- افراد تراجنسیتی در سیاست تقنینی ایران

طبق اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. اثر ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که ناظر بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است نیز همانا اصل برائت می‌باشد. قانون‌گذار کیفری ایران در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سن بلوغ را به‌عنوان سن تحمیل مسولیت کیفری برای دختر و پسر تعیین نموده است. همچنین ارتکاب برخی جرایم حدی از جمله زنا، لواط و... مستلزم مشخص بودن هویت جنسی زوج کیفری می‌باشد و یا در تعیین کیفر قصاص برای مرتکب تساوی در جنسیت بزه‌کار و بزه دیده از جمله شرایط اجرای حکم قصاص نفس و حتی عضو می‌باشد. قانون‌گذار ایران صرفاً در ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقدام به تعیین دیه برای افراد خنثا که به نحوی هویت جنسی آن‌ها معلوم نیست، نموده بدون این که نحوه تعیین جنسیت این افراد را مشخص کند. با توجه به رویکرد سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در قبال بزهکاری افراد تراجنسیتی، به نظر می‌رسد، بزهکاری این طیف افراد موردنظر و دغدغه سیاست‌گذاران کیفری نبوده است در حالی که با دقت در عوامل مؤثر بر بزهکاری و بزه دیدگی از جانب این اشخاص، چنین به نظر می‌رسد که علاوه بر

اقدامات کنشی از طریق فعالیت‌های پیشگیرانه در دو سطح انحراف و جرم، اراده قانون‌گذار و اتخاذ شیوه‌های واکنشی به منظور مبارزه با بزهکاری با آثار بازدارندگی جرم و بازپذیری اجتماعی بزهکاران و نیز پیش‌بینی حقوق مختصه آن‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری بیش از پیش مورد نیاز است و ضرورت آن احساس می‌شود. علاوه بر آن، در سطح قضایی نیز دستگاه قضایی کشور دچار خلأ و ناکارآمدی بسیار به واسطه عدم برخورداری از سازوکارهای لازم و نیز آموزش قضات و مسئولین اجرایی در سطح دادسرا، دادگاه، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و سایر مراکز ذیربط است که دلیل آن در وهله اول نشئت گرفته از خلأ قانونی و پس از آن، نادیده گرفتن حقوق این اشخاص و عدم توجه به موقعیت آن‌ها در آیین‌نامه و دستورالعمل‌های داخلی قوه قضاییه است.

نتیجه

این مقاله یافته‌هایی را در مورد تجربیات افراد تراجنسیتی در مواجهه با فرهنگ حاکم بر سیستم عدالت کیفری و بینش و کلایی که با افراد تراجنسیتی در آن سیستم کار می‌کنند، ارائه کرده است. بسیاری از جنبه‌های سیاست و عملکرد عدالت کیفری به دلیل پیامدهای نامطلوب آن‌ها برای افراد تراجنسیتی نیاز به توجه، تحقیق و اصلاح فوری دارند. زندان‌ها، مکان‌هایی هستند که افراد تراجنسیتی در آن‌ها بی‌توجهی، سوءاستفاده و دیگر اشکال آسیب را تجربه کرده‌اند. شرکت‌کنندگان تراجنسیتی و کارکنان سیستم عدالت کیفری، بر نیاز به آموزش و ارائه مطالب آموزشی فراتر در ارتباط با نیازها و آسیب‌پذیری‌های منحصر به فرد افراد تراجنسیتی در تعامل با سیستم عدالت کیفری تأکید می‌کنند. شرکت‌کنندگان همچنین تأکید دارند که علاوه بر آموزش‌های صحیح‌تر، متخصصان حقوق کیفری باید نگرش‌های نامطلوب در مورد افراد تراجنسیتی را به چالش بکشند، در تعامل با افراد تراجنسیتی باتجربه‌تر شوند و نسبت به تجربیات خاص و الزامات خدماتی آن‌ها آگاه‌تر و حساس‌تر شوند.

یافته‌های ما جامع نیستند، اما مشکلات قابل توجهی را در فرهنگ کیفری در برخورد با تنوع جنسیتی نشان داده‌اند. با توجه به این که این موضوع به طور قابل توجهی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است، امیدواریم یافته‌های ما انگیزه تحقیقات بیشتر در مورد مسائلی که شناسایی کرده‌ایم را فراهم کند. شدت و میزان آسیبی که افراد در محیط‌های کیفری تجربه می‌کنند، نیاز به اصلاح جامع استراتژی‌ها را ضروری می‌سازد. به این منظور، به‌عنوان بخشی از همکاری ما، سیستم عدالت کیفری از یافته‌های تحقیقاتی ما برای توسعه مواد آموزشی برای متخصصان حقوقی و افسران قضایی استفاده خواهد کرد. یافته‌های ما همچنین

اساس یک کتابچه راهنمای منتشر شده را تشکیل خواهد داد که به سمت متخصصانی هدایت می‌شود که متهم تراجنسیتی را نمایندگی یا تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهند. این منابع و در نتیجه تحقیقاتی که به آن‌ها اطلاع‌رسانی می‌کند، باید آگاهی را در میان حرفه حقوقی در مورد مسائلی که باید در هنگام نمایندگی از مراجعان تراجنسیتی در نظر گرفته شود، افزایش دهد، از جمله این که چگونه باید به پرونده مراجع در دادگاه رسیدگی شود، چه دستورالعمل‌هایی باید تنظیم شود و چه مطالب حمایتی باید در مورد ریسک‌های یک فرد در بازداشت و در مورد سابقه شخصی او به دست آید.

با این حال، این برنامه‌ها باید به شدت تقویت و گسترش یابند تا به این هدف برسند. آن‌ها در فرم فعلی خود یا به بیشتر مسائل مطرح شده در این مقاله نمی‌پردازند یا این کار را به اندازه کافی انجام نمی‌دهند. به بیان واضح‌تر، اقدامات فعلی برای محافظت از افراد تراجنسیتی در برابر سیستم عدالت کیفری و آسیب‌های مرتبط با آن، وعده و وعید نخواهند داد. در نتیجه، سیستم عدالت کیفری به آسیب رساندن به افراد تراجنسیتی به هر روشی که ما توصیف کرده‌ایم ادامه خواهد داد تا زمانی که به طور جامع عوامل دخیل در ایجاد این آسیب‌ها را درمان کند. تسریع در انجام تحقیقات و اصلاحات و همچنین تلاش برای اطمینان از این که این اصلاحات در عمل منعکس می‌شوند، برای انجام این کار ضروری است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- جواهری، فاطمه و حسین‌زاده کاسمانی، مرتضی، ۱۳۹۱، پیامدهای اجتماعی اختلال هویت جنسی: سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی تغییر جنس خواهان در ایران، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، شماره ۳.
- فرهمند، مهناز و دانافر، فاطمه، ۱۳۹۶، تحلیل مشکلات فردی-اجتماعی تراجنسیتی‌ها، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران**، شماره ۴.
- کاهانی، علیرضا و فخری شجاعی، پیمان، ۱۳۸۱، **اختلال هویت جنسی و دگرجنسیت جوها**، چاپ

اول، تهران، انتشارات تیمورزاده.

- مایر، کلیف و رایرسون، کلیف، ۱۳۹۵، **جرم خشونت بار (مطالعه عوامل و نگرانی‌های آن)**، ترجمه محمد جوان‌بخت، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

لاتین

- Benson K, 2020, What's in a pronoun? The ungovernability and misgendering of Trans Native kids in juvenile justice in Washington State. *Journal of Homosexuality* 67 (12).
- Dario LM, Fradella HF, Verhagen M and Parry MM, 2020, Assessing LGBT people's perceptions of police legitimacy. *Journal of Homosexuality* 67 (7).
- Dempsey D, Parkinson S, Andrews C and McNair R, 2020, Family relationships and LGB first homelessness in Australia: What do we know and where should we go? *Journal of Sociology* 56 (4).
- Dwyer A, Ball M, Lee M, Crofts T and Bond C, 2020, Barriers stopping LGBTI people from accessing LGBTI police liaison officers: Analysing interviews with community and police. *Criminal Justice Studies* 33 (3).
- Goldenberg T, Jadwin-Cakmak L and Harper GW, 2018, Intimate partner violence among transgender youth: Associations with intrapersonal and structural factors. *Violence and Gender* 5 (1).
- Griner SB, Vamos CA, Thompson EL, Logan R, Vázquez-Otero C and Daley EM, 2020, The intersection of gender identity and violence: Victimization experienced by transgender college students. *Journal of Interpersonal Violence* 35.
- Hereth J, 2021, Where is the safe haven?, Transgender women's experiences of victimization and help-seeking across the life course, *Feminist Criminology* 16 (4).
- Hill AO, Lyons A, Jones J, McGowan I, Carman M, Parsons M, Power J and Bourne A, 2021, Writing themselves in 4: The health and wellbeing of LGBTQA+ young people in Australia. Melbourne: Australian Research Centre in Sex, Health and Society.
- Valcore J, Fradella HF, Guadalupe-Diaz X, Ball M, Dwyer A, DeJong C, Walker A, Wodda A and Worthen MGF, 2021, Building an intersectional and trans-inclusive criminology: Responding to the emergence of 'gender critical' perspectives in feminist criminology. *Critical Criminology* 29 (4).
- Van Hout MC, Kewley S and Hillis A, 2020, Contemporary transgender health experience and health situation in prisons: A scoping review of extant published literature (2000–2019). *International Journal of Transgender Health* 21 (3).
- Wilson M, Simpson PL, Butler TG, Richters J, Yap L and Donovan B, 2017, You're a woman, a convenience, a cat, a poof a thing, an idiot: Transgender women negotiating sexual experiences in men's prisons in Australia. *Sexualities* 20 (3).